



دانشگاه علامه طباطبائی  
پردیس آموزش‌های نیمه‌حضوری

## پایان نامه

کارشناسی ارشد گرایش ادبیات فارسی

موضوع: تصحیح و شرح

مقدمه و باب اول نگارستان

تألیف:

معین‌الدین جوینی

بکوشش

هادی عباس آباد عربی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر مصطفوی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر جوینی

تیر ۱۳۹۱

## فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
أ-ز	۱-مقدمه مصحح
ص أ	۱-۲ نظر اجمالی به وضع نظم و نثر فارسی از آغاز تا زمان مولف
ص ج	۱-۳ نام و لقب و منشأ پیدایش کتاب:
ص خ	۱-۴ سیر و سفرهای معینی
ص خ	۱-۵ استاد و شیخ معینی
ص د	۱-۶ آثار جوینی
ص د	۱-۷ مذهب معینی
ص ذ	۱-۸ اشعار و سروده‌های نگارستان:
ص ذ	۱-۹ نسخه‌های موجود نگارستان
ص ر-ز	۱-۱۰ اروش کار مصحح
ص ۱-۴۰	۲.مقدمه مؤلف
ص ۱	۲-۲ حمد و ستایش
ص ۴	۲-۳ حکایت شنیده‌ام که اعرابی به خدمت رسول حاضر شد
ص ۵	۲-۴ حکایت یکی از مشایخ در سرّ کار خود می‌نگریست
ص ۸	۲-۵ ذکر پادشاه اسلام- انار الله برهانه و ضاعف اقتداره
ص ۱۲	۲-۶ ذکر فضایل مشکور سلطان الوزرا، خواجه بهاء الحق و الدین محمد
ص ۱۴	۲-۷ در سبب تألیف کتاب و شرح بعضی از احوال مؤلف

- ۲-۸ در سبب تسمیه‌ی نگارستان ص ۲۳
- ۲-۹ در اعتذار اهل فضل و التماس تجاوز ص ۲۸
- ۲-۱۰ حکایت حیی معاذ را - رحمه الله - از حال علمای وقت پرسیدند ص ۲۸
- ۲-۱۱ حکایت شنیده‌ام که اسحاق بن ابراهیم موصلی روزی اصمعی را بدید ص ۳۲
- ۲-۱۲ در اظهار ارادت به خاندان حموی ص ۳۳
- ۲-۱۳ در تخلص کتاب ص ۳۵
- ۲-۱۴ اقصیده فی به درجه مدالله ظلّه ص ۳۸
- ۲-۱۵ فهرست کتاب و آن مشتمل است بر هفت باب ص ۴۰
- ۳. باب اول:** ص ۴۱-۱۱۵
- ۳-۲ در مکارم اخلاق ص ۴۱
- ۳-۳ حکایت منقول است از شامی که ص ۴۱
- ۳-۴ حکایت شنیده‌ام که عبدالله زبیر به معاویه نامه نوشت ص ۴۲
- ۳-۵ حکایت یکی را پرسیدند که احنف قیس بر اعیان و اکابر و... ص ۴۷
- ۳-۶ حکایت چون صیت مفاخر و آوازه‌ی مناقب احنف، در عالم منتشر شد ص ۴۷
- ۳-۷ حکایت چون ایالات مصر بر عمروعاص مقرر شد ص ۴۹
- ۳-۸ حکایت یکی را از اکابر روزگار گفتند ص ۵۱
- ۳-۹ حکایت حارث بن ظالم که از اسخیای عرب بود ص ۵۲
- ۳-۱۰ حکایت زیاد اعجم در بعضی از انتقالات به مهلب بن ابی صفره رسید ص ۵۴
- ۳-۱۱ حکایت شنیده‌ام که در جوار ابوسفیان ص ۵۶

- ۱۲-۳ حکایت یکی از فضیله‌های عرب در جوار سعید بن العاص سرایی داشت ص ۵۸
- ۱۴-۳ حکایت میان عبدالملک مروان و عبدالرحمن بن خالد ابن ولید مناقشه افتاد. ص ۵۹
- ۱۵-۳ حکایت یکی را به علت آن که ارتکاب جرمه کرده بود و بر بی‌گناهی تهمتی نهاده ص ۶۱
- ۱۶-۳ حکایت شهرام مروزی را با صاحب‌الدعوه ابومسلم - رحمه الله علیه - مکالمه افتاد ص ۶۳
- ۱۷-۳ حکایت شنیدم از بعضی از ثقات که چون پادشاه مغفور .... ص ۶۵
- ۱۸-۳ حکایت از مرحوم افضی القضاة عمادالدین ص ۶۷
- ۱۹-۳ حکایت یکی را از اکابر روزگار اسبی بود ص ۶۷
- ۲۰-۳ حکایت هارون الرشید که به رای صیابت و فکر ثاقب، داد سیاست و ریاست داده بود ص ۶۹
- ۲۱-۳ حکایت چون کار معاویه - علیه ما یستحق - قرار گرفت ص ۷۰
- ۲۲-۳ حکایت در ابتدای خلافت منصور از مدینه، نامه نوشتند ص ۷۲
- ۲۳-۳ حکایت یکی را به جنایتی منسوب کردند ص ۷۳
- ۲۴-۳ حکایت نعمان ابن المنذر، روزی به عزیمت شکار، بر نشسته بود ص ۷۵
- ۲۵-۳ حکایت شنیده‌ام که یکی را از ملوک پسری بود ص ۷۶
- ۲۶-۳ حکایت در زمان دولت پادشاه سعید ابوسعید میرزا ص ۷۹
- ۲۷-۳ حکایت یکی از بنی‌علیم که به قلت نطق و کثرت سکوت موصوف و مشهور بود گفتند ص ۸۰
- ۲۸-۳ حکایت چون یونس - علیه السلام - از شکم ماهی نجات یافت ص ۸۱
- ۲۹-۳ حکایت یکی از ابنای زمان، که سمت صلحا داشت و کسوت علما ص ۸۲
- ۳۰-۳ حکایت یکی از علمای روزگار که دیباچه‌ی کارنامه‌ی معاملات او به خطبه‌ی مکارم ... ص ۸۲
- ۳۱-۳ حکایت بهرام گور که از پادشاهان عجم بود ص ۸۳

- ۳-۳۲ حکایت یکی از صلحا شخصی را پرسید ص ۸۴
- ۳-۳۳ حکایت شنیده‌ام که حجاج بن یوسف صحبت زیاد را گران شمردی ص ۸۴
- ۳-۳۴ حکایت وقتی حجاج با جمعی از اکابر واعیان بصره، پیش عبدالملک مروان آمدند ص ۸۵
- ۳-۳۵ حکایت یکی از بیگانگان که به قساوت دل و صلابت نفس مشهور بود ص ۸۵
- ۳-۳۶ حکایت یکی از بنی اسرائیل که دیده‌ی بصیرتش به نور هدایت مکحل بود ص ۸۵
- ۳-۳۷ حکایت مذکور است در روایات که روزی جبرئیل - ص ۸۶
- ۳-۳۸ حکایت یکی از اعیان روزگار، که فرط مکتی داشت ص ۸۷
- ۳-۳۹ حکایت چون ولید ابن عتبه والی مدینه شد و زمام حل و عقد و عنان، قبض و بسط ... ص ۸۹
- ۳-۴۰ حکایت پیش یکی از وزرای متأخرین ذکر برمکیان می‌رفت ص ۹۰
- ۳-۴۱ حکایت نقل است از حکیمی، که یکی را از اعیان روزگار گفت ص ۹۱
- ۳-۴۲ حکایت سفیان ثوری - علیه الرَّحْمَه - می‌گفت ص ۹۲
- ۳-۴۳ حکایت جماعتی از یهود به نزد حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - آمدند ص ۹۳
- ۳-۴۴ حکایت در تفاسیر مذکور است که چون در جنگ احد حمزه - رَضِيَ اللهُ عَنْهُ - ... ص ۹۳
- ۳-۴۵ حکایت مذکور است که شجره‌ی فرعون خلعت ایمان به برکت ادبی یافتند ص ۹۴
- ۳-۴۶ حکایت یحیی معاذ رازی را - رَحْمَه الله علیه - غلامی بود متهتک ص ۹۵
- ۳-۴۷ حکایت شنیدم که احنف را پرسیدند ص ۹۵
- ۳-۴۸ حکایت چنین گویند که عمر ابن ابراهیم دو هزار درم به شخصی داد تا با احنف سفاهت کند ص ۹۶
- ۳-۴۹ حکایت مأمون خلیفه روزی با کوبه و دبدبه‌ی خود می‌گذشت ص ۹۷
- ۳-۵۰ حکایت اردشیر بابک که از سلاطین روزگار و پادشاهان کامکار بود ص ۹۷

- ۳-۵۱ حکایت نقل است از عمر عبدالعزیز ص ۹۹
- ۳-۵۲ حکایت یکی را از اهل صلاح که اوقات بر وظایف عبادت مصروف داشت ص ۱۰۰
- ۳-۵۳ حکایت یکی در خانه‌ی کعبه دست به دعا برداشت و زبان تضرع، گشاد و می گفت ص ۱۰۲
- ۳-۵۴ حکایت یکی از متمولان، با حضرت رسالت گفت ص ۱۰۴
- ۳-۵۵ حکایت یکی پیش آمد و گفت ص ۱۰۵
- ۳-۵۶ حکایت یکی پیش مصعب ابن زبیر آمد ص ۱۰۶
- ۳-۵۷ حکایت ذکر یکی از مشایخ که در زهد مشارالیه بود. ص ۱۰۷
- ۳-۵۸ حکایت منقول است از سلف ص ۱۰۸
- ۳-۵۹ حکایت از کلمات حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب است ص ۱۰۸
- ۳-۶۰ حکایت راهبی گفت: شیطان را پرسیدم ص ۱۰۹
- ۳-۶۱ حکایت ابراهیم ادهم - رحمه الله - گفت: ص ۱۱۰
- ۳-۶۲ حکایت یکی از مشایخ گفت: بیست سال با ربیع خثیم مصاحب بودم ص ۱۱۱
- ۳-۶۳ حکایت از کمال کرم و وفور حسن اخلاق و شیم سید عرب و عجم ص ۱۱۱
- ۳-۶۴ حکایت نقل است از یکی از اصحاب که گفت ص ۱۱۲
- ۳-۶۵ حکایت شنیدم که از افواه اصحاب حدیث، ص ۱۱۳
- ۳-۶۶ حکایت ابن مبادر حکایت کرد که در بعضی مسالک با خلیل همراه بودم ص ۱۱۴
۴. شرح و تعلیقات ص ۱۱۶ - ۱۶۹
۵. فهرست آیات و احادیث ص ۱۷۰ - ۱۷۱
۶. فهرست اشعار عربی ص ۱۷۲ - ۱۷۳
۷. فهرست اشعار فارسی ص ۱۷۴ - ۱۹۴

ص ۱۹۵-۲۰۶

ص ۲۰۷

۸. فهرست اعلام

۹. فهرست منابع و مآخذ

## چکیده

**الف- موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف)** احیای نسخ خطی به منظور حفظ فرنگ و تمدن ایران و استحکام زبان فارسی و شناساندن شکل و محتوای این آثار به نسل جوان و ایجاد انگیزه برای تحقیق و کاوش در این مسأله و جلوگیری از نابودی نسخ خطی

### **ب- مبنای نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش‌ها و فرضیه‌ها**

اساس کار بر احیای میراث مکتوب زبان فارسی است که نسخه‌ی نگارستان معین الدین جوینی نویسنده و شاعر قرن هشتم از میراث ادبیات تعلیمی و عرفانی ایران بقصد احیاء یک متن ادبی انتخاب شد نسخه آستان قدس که در میان دیگر نسخ کامل تر به نظر می‌رسید به عنوان نسخه اساس قرار گرفت انتخاب نسخه بدل‌ها و مقابله در مرحله دوم کار انجام گرفت در این تصحیح به علت رعایت امانت‌داری مبنای عدم تصرف مصحح در موارد غیر ضروری بود ولی در جاهایی که نسخه‌ی اساس اشتباه آشکار داشت سعی شده است از کلمه صحیح نسخ دیگر استفاده شود.

### **پ- روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق نمونه‌گیری و روشهای**

#### **نمونه‌گیری و ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها**

روش تصحیح از میان روشهای متداول (انتقادی، التقاطی، قیاسی و ...) روش انتقادی که علمی تر است انتخاب گردید و نسخه بدل‌ها با نسخه اساس مقابله شد و موارد اختلافی در پاورقی جزء به جزء ذکر گردید در مقدمه پایان نامه مختصری از پیشینه ادوار نظم و نثر فارسی، زندگی نویسنده و مشرب فکری او و معرفی نسخ موجود نگارستان آورده شده است.

### **ت- یافته‌های تحقیق - شناسایی نسخ خطی ارزشمند نگارستان مربوط به قرن ۹ و ۱۰ و ۱۱ و انتخاب چند**

مورد برای تحقیق و تصحیح و اطلاع از محتوای و شکل این کتاب و اهمیت آن در ادبیات تعلیمی و عرفانی، شناخت نویسنده و مشرب فکری او و توجه نویسنده به منابع دیگر مثل قرآن، احادیث، روایت گذشتگان و اشعار عربی که از شعرای دیگر نقل شده است.



**نتیجه‌گیری:** بنابراین نسخه‌ای از نسخه‌های خطی نگارستان مربوط به قرن ۱۰ هجری تصحیح و احیاء می‌شود که سه نسخه دیگر به عنوان نسخه بدل شناسایی و با نسخه اصلی مقابله گردید، شرح مفصلی بر این کتاب نوشته شد؛ سایر منابع نویسنده در ضمن متن شناسایی گردید؛ مقدمه نسبتاً مفصلی از پیشینه آثار عرفانی و نظم و نثر فارسی، شرح حال نویسنده کتاب در آغاز رساله آورده شده است و در پایان، فهرست کامل آیات قرآن و احادیث، اعلام، ادبیات فارسی و عربی و منابع ماخذ ذکر گردید؛ که با تهیه این پژوهش نامه قدمی هرچند کوتاه حفظ یکی از آثار مکتوب فارسی برداشته شد و نسخه‌ای از حالت انزوا و تحمل گرد و غبار در کتابخانه‌ها و خطر پوسیدگی و زوال خارج گردید.

امید است این نوشته مورد قبول اصحاب فضل قرار گرفته و راهنمایی‌های آنها اینجانب را در ادامه کار دلگرم نماید.

کلید واژه: نگارستان، تصحیح، نسخه خطی، متون ادبی

## مقدمه مصحح

نظر اجمالی به وضع نظم و نثر فارسی از آغاز تا زمان مولف - نثر فارسی در آغاز بسیار ساده و عاری از صنایع و آرایش‌های لفظی بوده است. در نثر این عهد (قرن چهارم) و غالب آثاری که بعد از آن به سبک و سیاق این دوره نوشته شده است، اثری از لغات مشکل عربی و امثال و اشعار تازی به منظور آرایش کلام دیده نمی‌شود. بلکه نثری است ساده و روان و طبیعی، که معمولاً مبتنی است بر روشی که عموم مردم با آن سخن می‌گفتند. جمله‌های ساده، گویا و کوتاه و خالی از هر نوع ابهام و به دور از تکرار ناخوشایند افعال و عاری از مقدمه چینی‌های زاید؛ که اصل و اساس کار نویسندگی را بر صراحت الفاظ می‌گذاشتند، از ویژگی‌های نثر فارسی، در این دوره می‌باشد.

کتابهای «عجایب البلدان» از «ابوالمؤید بلخی» و «حدود العالم من المشرق الی المغرب» از مؤلفی نامشخص و «الابنیه عن حقایق الادویه» نوشته‌ی «ابومنصور موفق هروی» و «ترجمه تفسیر طبری» تألیف گروهی از فقهای ماورالنهر و همچنین کتاب «مقدمه شاهنامه‌ی ابومنصوری» که به همت «ابومنصور المعمری، نمونه‌های نثر ساده و موفق این دوره محسوب می‌شوند.

از مختصات شعر فارسی در قرن چهارم، سادگی، توصیفات طبیعی و منطبق با عالم خارج؛ عدم استعمال اصطلاحات علمی؛ خالی بودن شعر از الفاظ مشکل عربی و حتی کم بودن لغات تازی؛ کوتاه بودن اوزان و بحور شعر است. در شعر فارسی این دوره به ندرت می‌توان اثر یأس و نومیدی یافت. شعر قرن چهارم، پر از نشاط روح و غرور ملی و افکار حماسی و خوش‌بینی و آزادمنشی است. ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی، ابوالمؤید بلخی، ابوالشکور بلخی، ابومنصور محمد بن احمد دقیقی، ابواسحاق کسائی مروزی، و ابوالقاسم فردوسی از شعرای نامی این دوران می‌باشند.

در قرن پنجم و ششم دو سبک کاملاً متمایز از یکدیگر در نثر فارسی بوجود آمد. یکی سبک ساده که دنباله‌ی نثر ساده‌ی قرن چهارم بوده است و دیگری سبک مصنوع. سبک ساده که در قرن چهارم در ادب فارسی معمول بوده است. در تمام قرن پنجم و قسمتی از قرن ششم ادامه و تکامل یافته است. و اختلافی که در آن به تدریج وجود می‌آید، نه از باب اصول و بنیاد سبک و روش نگارش است، بلکه از

جهت تغییرات و تحولاتی می‌باشد؛ که به تدریج در زبان فارسی صورت می‌گرفت. از معروف‌ترین آثاری که در این دو قرن به نثر ساده و مرسل نوشته شده است؛ می‌توان کتاب‌های زیر را نام برد:

«التفهيم لاوائل صناعه التنجيم» از «ابوریحان بیرونی»، «دانشنامه‌ی علائی» از «ابوعلی سینا»، «تاریخ بیهقی» اثری گرانسنگ از «ابوالفضل بیهقی»، «سیرالملوک یا سیاستنامه» نوشته‌ی «خواجه نظام الملک ابوعلی حسن بن علی طوسی»، «قابوسنامه» از «عنصرالمعالی کیکاوس»، «سفرنامه و زادالمسافرین و وجه دین و خوان‌اخوان و جامع‌الحکمتین» از «ناصر خسرو قبادیانی»، «کشف‌المحجوب» نوشته‌ی «علی‌ابن عثمان جلابی هجویری»، «تاریخ سیستان» و «مجمل‌التواریخ» که نویسندگان آن‌ها نامشخص می‌باشند. آثار دیگری از جمله: «نصیحه‌الملوک» و «کیمیای سعادت» نوشته‌ی «محمد غزالی»، «اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید» از «محمدبن منور» و «سرا انجام می‌توان از کتاب «تذکره‌الاولیا» نوشته‌ی «فریدالدین محمد عطار» در این خصوص نام برد.

سبک دیگری که از اواخر قرن پنجم و قرن ششم در نثر فارسی ظهور کرده است؛ شیوه‌ای است که به سبک مصنوع یا سبک فنی معروف گشته است. نثرهای مصنوع یا فنی، نثرهایی هستند که آمیخته با صنایع لفظی مانند: سجع، جناس و امثال آن‌ها می‌باشد. در این سبک، نویسنده بیشتر، به ظاهر الفاظ توجه دارد و مهم‌ترین عنصر سازنده‌ی این سبک‌ها سجع می‌باشد.

نثر مسجع در ادبیات فارسی در نتیجه تأثیر ادبیات عربی پدیدار گشت. شیوع آن در نثر عربی از قرن چهارم رایج می‌باشد. چون همه نویسندگان و ادبای فارسی زبان با ادبیات عربی آشنایی داشته‌اند و آثار بزرگان ادبیات عرب را سرمشق خود، در نویسندگی و بیان نکات و مضامین ادبی قرار می‌دادند، طبعاً تحت تأثیر سبک فنی آن‌ها قرار گرفتند و همان سبک را در زبان خود نیز به کار بردند. نخستین کسی که در آثارش سجع را به کار گرفت می‌توان از خواجه عبدالله انصاری (متوفی به سال ۴۸۱ ه ق) نام برد. وی در رسالات خود مانند: مناجات‌نامه و کنز‌السالکین سجع‌هایی ساده آورده است. البته نثر مسجع از آغاز پیدا آمدن نثر دری موجود بوده و نویسندگان هم کم و بیش آن را در نوشته‌های خود به کار گرفته‌اند؛ لیکن این شیوه به خطبه‌های کتاب یا در مورد ترجمه‌ی کلمات قصار، منحصر می‌شده است. کتاب یا رساله‌ای که کاملاً مسجع باشد پیش از قرن پنجم تا کنون دیده نشده است.

دوره واقعی منابع لفظی در نثر از اواسط قرن ششم شروع شد. در این دوره به کار برد صنایع مختلف و تکلفات صوری و سجع‌های مکرر و آوردن جمله‌های مترادف و استعمال لغات وافر عربی و شواهدی از شعر عرب و احادیث و امثال و آیات قرآن و ترکیبات و مصطلحات علمی معمول شد.

اولین کتابی که منابع مختلف بیشتر به آن پرداخته‌اند و به عنوان اثری که بیشتر از سجع استفاده کرده است، نام برده‌اند ترجمه‌ی «کلیله و دمنه» به فارسی است که در حدود سال ۵۳۶ توسط «ابوالمعالی نصرالله منشی» و هم‌چنین نوشته‌ی «نظامی عروضی» با عنوان «چهارمقاله» می‌باشد.

مهم‌ترین کتابی که در قرن ششم با توجه به منابع لفظی نوشته شده است، کتاب مقامات حمیدی است. قاضی «حمیدالدین عمر بن محمود بلخی» (۵۵۹) این کتاب را به تقلید از «مقامات بدیع الزمان همدانی» و «حریری» نگاشته و مانند ایشان در آن انواع صنایع را به کار برده است.

دیگر از نویسندگان قرن ششم، «بهاءالدین محمد بن مؤید البغدادی» نویسنده‌ی کتاب «التوسل الی التوسل»، «نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی راوندی» نویسنده‌ی کتاب «راحه الصدور»، «ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی» صاحب اثر «ترجمه تاریخ یمینی»، «صعدالدین و راوینی» نویسنده‌ی «مرزبان نامه» را می‌توان نام برد که به سبک و شیوه مصنوع آثار خود را نوشته‌اند.

از مختصات شعر قرن پنجم و ششم، یکی وجود تأثیرات محلی است، که نتیجه تجاوز لهجه‌ی دری از محیط مکالمه‌ی خود می‌باشد. دیگر ورود شاعران در مباحث مختلفی مانند مسائل فلسفی و صوفیانه و زهد و اندرز و وصف و غزل و مدح و هجو و نظایر آن‌ها می‌باشد، و هم‌چنین تأثیر اطلاعات هر شاعر در سروده‌های دیگر شاعران را می‌توان از ویژگی‌های شعر این دوره دانست.

از موضوعاتی که مخصوصاً در قرن ششم در شعر فارسی به شدت تأثیر گذاشته است، تصوف و عرفان است. توجه به اندیشه‌های عرفانی البته زودتر از قرن ششم نیز صورت گرفته بود؛ ولی آثار آشکار آن از قرن ششم در اشعار فارسی مشهود است.

«سنائی» نخستین کسی است که منظومه‌های «حدیقه الحقیقه» و «طریق التحقیق» را در موضوعات و مسائل عرفانی سروده است. شاعر بزرگ دیگری که بعد از سنائی در قرن ششم و اوایل قرن هفتم به بیان مسائل عرفانی پرداخته؛ «فریدالدین محمد عطار» (۶۱۸) می‌باشد.

ورود موضوعات عرفانی در شعر باعث شد که از سویی، تنوعی خاص در شعر فارسی بوجود آید و از سوی دیگر اختصاص شاعران را به دربار نسبتاً از میان برد و شعر و ادبیات را از ابتدال رهایی بخشید.

شعر در قرن هفتم و هشتم مهم‌ترین سبک رایج این دوره سبک نثر فنی است. ولی در در همین دوره، دنباله‌ی سبک ساده نویسی در نثر فارسی منقطع نشد. بلکه بتدریج قوت یافت و نمونه‌های خوبی از آن بوجود آمد. مانند «طبقات ناصری»، «جامع التواریخ رشیدی» و «تجارب السلف» و ...

بزرگترین نویسنده‌ی قرن هفتم سعدی شیرازی است. از سعدی چند رساله و کتاب «گلستان» به نثر فارسی باقی مانده است. سعدی در کتاب گلستان روش خاص خود را که سبک میان نثر مرسل و نثر مصنوع می‌باشد، بیشتر شیوه‌ی متمایل به نثر موزون است؛ بکار برده و از صنایع لفظی تا آنجا که مخمل فصاحت نباشد؛ استفاده کرده است.

بطور کلی می توان گفت: پیش از سعدی نثر به دو قسم بود. یکی نثر ساده و مرسل که در کتب علمی و بعضی کتب تاریخ دیده می شود. دیگر نثر مصنوع و آن نیز بر دو قسم بود. به طور کلی سبک ابوالمعالی و پیروان او و دیگر نثر مسجع و مقامه نویسی است. سعدی نظر به این شیوه داشته است. گلستان سعدی در واقع مقامه است و سعدی معایب مقامات حمیدی را مرتفع ساخته و ابتکارهایی از خود بروز داده است. مانند کم کردن الفاظ مترادف و افزودن بر تشبیهات شعری و روانی عبارت و بلاغت گفتار را بیشتر از آرایش آن منظور نظر قرار داد.

اقتفا و پیروی از گلستان بعد از سعدی، گلستان مورد توجه خاص و عام قرار گرفته و او کتب درسی و عمومی زبان فارسی گردید. این حسن شهرت موجب شد که بعضی از نویسندگان فاضل به معارضه‌ی گلستان برخاستند و در ایران و هند و ترکیه کتاب‌های به همان شیوه، نوشته شد. معروف‌ترین آن‌ها «روضه خلد» از «محمد خوافی» و «نگارستان» اثر «معینی جوینی» و «بهارستان» نوشته‌ی «جامی» می باشد.

نگارستان کتابی است تربیتی و عرفانی و اخلاقی به نثر آمیخته به نظم در معارضه گلستان سعدی تقریباً به همان سبک و شیوه به وسیله‌ی «معینی جوینی» یکی از فضیلابی اول قرن هشتم نگارش یافته است.

محتویات نگارستان حکایتی است که مولانا معین الدین معینی جوینی با ذکر آن‌ها نتایج علمی و عرفانی می گیرد و حقایق معنوی و اخلاقی را به زبان ساده و گاهی از راه تمثیلی می گوید. به این ترتیب بسیاری از آیات قرآن شریف و آیات و احادیث را به سبک عرفان شرح و بیان می کند. کتابی است سرشار از بررسی‌های اخلاقی و عرفانی، که نویسنده همه‌جا طرفدار احسان و نیکوکاری و تقوی و پرهیزکاری و فضایل انسانی است. کتاب گاهی مبدل به تاریخی می شود که با خامه‌ی واقع بینانه‌ای نقاشی شده است و گاهی صورت یک رساله‌ی فلسفی را به خود می گیرد که در آن‌جا خواننده، نتیجه‌ی تفکرات یک فیلسوف بشر دوست را می خواند. این کتاب آینه‌ای است از زندگی بی‌آلایش و سیر و سلوک و اعمال تحسین‌انگیز سالکان و عارفان و در عین حال سراسر کتاب مملو است از وقایع تاریخی و نکات فلسفی.

**نام و لقب و منشأ پیدایش کتاب:**

معین الدین جوینی از عرفا و نویسندگان نیمه‌ی اول قرن هشتم هجری است. وی از شاگردان «سعدالدین یوسف بن ابراهیم حمویه جوینی» عارف معروف بود و در عهد «ابوسعید و خواجه غیاث‌الدین محمد»، اسم و رسم و اعتباری داشته است. او تا اواخر قرن هشتم نیز می‌زیسته است.

معین الدین جوینی یکی از اولین کسانی است که کتابی به تقلید از گلستان سعدی نگاشته است. وی کتابش را نگارستان نام نهاد. مؤلف خود، در دیباچه‌ی آن، پس از حمد و ثنای بوسعید و خواجه غیاث‌الدین محمد گوید: که در محفلی مدح گلستان سعدی بر زبان جاری شد و معینی با وجود تصدیق استادی سعدی در انشای گلستان، به تشویق پدر خود به نگارش کتابی شبیه به گلستان پرداخته در سال ۷۳۵ نگارستان را به انجام رسانید و آن را به نام استاد خود سعد الدین یوسف بن حمویه موشح گردانید.

نگارستان جوینی حاوی نکات تاریخی است. این کتاب هفت باب دارد که عبارت‌اند از: ۱- در مکارم اخلاق ۲- در صیانت و پرهیزکاری ۳- در حسن معاشرت ۴- در عشق و محبت ۵- در وعظ و نصیحت ۶- در فضل و رحمت ۷- در فواید متفرقه

بزرگان و نویسندگان زیادی از جوینی و نگارستان او یاد کرده‌اند که در ذیل به برخی از آن مطالب اشاره می‌شود:

... این حسن شهرت موجب آن آمده که بعضی از نویسندگان فاضل به تقلید از گلستان برخاسته در ایران و عثمانی و هند کتاب‌ها بدان شیوه نوشتند. که معروف‌تر از همه نگارستان معینی جوینی و بهارستان جامی و پریشان قآنی شیرازی است و در ذیل عنوان کتب علمی این دوره آمده است: .... و ستارگان درخشانی مانند خواجه نصیرالدین طوسی و معینی جوینی و... در این دوره بروز کردند. (بهار-محمد تقی، سبک‌شناسی در ۳ جلد، ۱۳۳۷، امیر کبیر، ص ۱۵۵)

معین الدین آوری جوینی از عرفای نویسندگان قرن هفتم بوده که تا اواخر این قرن هم می‌زیست و از شاگردان سعد الدین یوسف بن ابراهیم حموی جوینی عارف مشهور بوده و در زمان خود شهرت بسیار داشت و از او دو کتاب معرف مانده است یکی «نگارستان» که یکی از نخستین تقلیدهای گلستان سعدی است و آن را در هفت باب به سال ۷۳۵ تمام کرده است و دارای فواید تاریخی بسیار است و دیگر کتاب «احسن القصص» که در شرح سوره یوسف و داستان یوسف و زلیخا نوشته است. (نفیسی-سعید، در تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی ج ۱ چ ۱۳۴۴ ص ۱۸۳)

معینی جوینی از مشاهیر شعرا و عرفا بوده و در قریه انداده بدنیا آمده و علوم ظاهری را در

نزد ملا «فخرالدین اسفراینی» آموخته است و پس از آن از محضر شیخ سعدالین حمویی کسب فیض نموده و نگارستان را در قبال گلستان سعدی نوشته است قطعه زیر از اوست:

از زلف پریشان تو آشفته ترم من  
 باشد که بمانم ز گلستان تو بویی  
 در کوی تو آشفته چو باد سحرم من  
 عمری است که چو باد صبا در بدرم من (قاموس الاعلام در  
 جلد ۶ ص ۴۲۳۷ ج ۱۳۱۶)

ذکر فاضل عارف مولانا معینی جوینی رحمه الله علیه - مرد فاضل و دانشمند و سالک بوده و از جمله مریدان خاندان مبارک شیخ الشیوخ سعد المله والدین الحموی قدس الله تعالی سره العزیز بوده است و مولد مبارک مولانا قریه انداده است من اعمال جوین و او در علم شاگرد مولانا فخرالدین خالدی اسفراینی است که این مولانا میان علما به بهشتی معروف است و شرح فرائض او نوشته است و این غزل مولانا معینی می فرماید:

از زلف پریشان تو آشفته ترم من  
 چون گل به هوای تو گریبان زده ام چاک  
 در کوی تو سرگشته چو باد سحرم من  
 تا بو که بیابم ز گلستان تو بویی  
 شب تا به سحر غرقه بخونِ جگرم من  
 عمری است که چون بادِ صبا در بدرم من  
 شمشیرِ جدایی تو زان کار گرم نیست  
 کایامِ فراقِ تو ز خود بی خبرم من  
 از سنگِ جفا، زان شده دیوانه ترم من  
 طفلان که گشند آن سگ دیوانه به غوغا

(تذکره الشعرا دولتشاه سمرقندی مصحح محمد عباسی ص ۳۸۵-۳۷۹)

و کتاب «نگارستان» از مؤلفات مولانا معینی است؛ که بر طرزِ گلستان شیخ سعدی نوشته اما از آن کتاب بسیط تر است؛ و دانشمندانه نوشته؛ و نوادر و امثال و حکمت های مفید در آن کتاب درج نموده؛ و مشایخ بحرآباد آن کتاب را پیشکش «الغ بیک گورگان» کردند. بوقتی که سلطان مُشارِلیه در محل یورشِ عراق به زیارتِ اکابر بحرآباد آمده بود و پادشاه فرمود؛ تا آن کتاب را نوشتند به خوب ترین خطی و تکلفی، و دائماً آن کتاب را مطالعه فرمودی، و پسندیده داشتی، و آن کتاب در ماوراء النهر شهری عظیم یافته؛ و اما در خراسان کم به دست می آید.

در «سینه خوشگو» نسخه خطی متعلق به کتابخانه سپهسالار شماره ۲۷۲۴ تحت عنوان «معینی» آمده: ملا معین الدین متخلص به «معینی» از قریه انداده من اعمال جوین است. از مریدان شیخ «سعد الدین حموی» است. طبعی سلیم و ذهنی وقاد داشته، یگانه زمانه و درسخنوری یگانه بود. از معاصران گوی فصاحت ربوده، در تتبع گلستان سعدی «نگارستانی» تألیف کرده.

پس بنابر آن چه گذشت؛ مؤلف نامش «معین الدین» و تخلص «معینی» و لقبش «مولانا» و مولدش «انداده» از اعمال جوین است. از تاریخ ولادت و وفات وی به طور دقیق اطلاعی در دست نیست. آن چه که مسلم است؛ نگارستان را در ۷۳۵ تألیف کرده است و گویا تا اواخر این قرن در قید حیات بوده است.

زد چو معینی رقم این نقش بود سال عرب هفتصد و سی و پنج بود (نگارستان ص ۲۲)

## سیر و سفرهای معینی:

معینی بنابر آنچه خود در نگارستان بدان اشاره نموده است، در جوانی در عهد ابوسعید بهادر به تبریز رفته، و مدتی در آن شهر عهده‌دار عمل دیوانی بوده است. «وقتی به سببی از اسباب الهی در تبریز مدتی بماندم، و چنانکه دانستم و توانستم داد خود از روزگار بستاندم». وی چندین بار نیز به حجاز رفته و در همدان و بغداد و طائف سیر و سیاحت داشته است.

بهشت روی زمین است خطه تبریز      که گفت غوطه و شیب و اُبَلَه و سُغداست؟

## استاد و شیخ معینی:

بنابر آنچه در ذریعه ج ۹ ص ۱۰۷۹ و قاموس الاعلام ج ۶ ص ۴۲۳۷ چ ۱۳۱۶ و تذکره دولتشاه سمرقندی مصحح محمد عباسی ص ۳۸۵-۲۷۹ ذکر گردیده استاد معینی، در علوم ظاهری مولانا فخرالدین خالدی اسفراینی است که در میان علما به بهشتی معروف است و شرح فرائض از اوست. معینی خود نیز بدین امر اشاره نموده است:

حکایت - استاد این ضعیف «مولانا شمس الدین علی بن محمد الخالدی» رحمه الله حکایت کرد: که شبی یکی از کبار مشایخ را در خواب دیدم ... الخ (نسخه قونیه باب چهارم)

وی در طریقت بنابر ذکر منابع مذکور مرید سعدالدین یوسف بن ابراهیم حموی بوده؛ و در هر فرصتی در نگارستان با احترام و اعزاز تمام از او یاد کرده؛ و اظهار ارادت نموده است از آن جمله: نگرانی ارباب درجات رفیع و علو هم والتفات خداوندان کرامات کرم بحال با اختلال معینی «أصلح الله أحواله و أنجح في الدارين آماله» و آن که جمعی از اهل کمال و طائفه‌ای از اصحاب جاه و جلال منشات و مخترعات او را بسمع رضا اصغا می‌نمایند و....

و در تخلص کتاب گوید: والی ولایت بدن اعنی روان گویا پیر طریقت را که عقل دانا نام اوست و ... پرسید؛ که این با کوره پستان لطافت را ... چه در می باید؟ گفت: آنکه بجناب بهشت آسای فرقدسای یگانه روزگار و برگزیده آفریدگار و ... ابوالفتح هبه الله بن شیخ الشیوخ صاحب النبوه والرسول سلطان الحاج والحرمین جامع المجدین ... اسوه ارباب الیقین سعد الحق و المله و الدین یوسف بن ابراهیم بن محمد المویّد الحموی ... مخصوص گردد. (نگارستان ص ۳۶-۳۵).

و این قصیده را در مدح شیخ سعدالدین حموی گفته است: (نگارستان ص ۳۹-۳۸)

زهی زرای تو روشن روان سخن      گرفته کلک گهر ریز توجهان سخن



زدوده ز آینه فضل رنگ خاطر تو      چو کرده درج نکات تو در میان سخن  
گشاده کلک ترا آب زندگی از لب      نهاده لب به لطافت چو بردهان سخن

## آثار جوینی:

مهمترین و معروف‌ترین اثر وی «نگارستان» است. گذشته از آن، «احسن القصص» که تفسیر سوره یوسف است، در پایان چاپ ۱۲۷۸ و برگ عنوان نسخه ۷۸۹ مجلس و در «تاریخ نظم و نثر در ایران» ج ۱ ص ۱۸۳ از «معین الدین جوینی» دانسته شده است ولی بقول آقای احمد منزوی این نسبت صحیح نیست بلکه کتاب مذکور از معین مسکین فراهی می‌باشد. (فهرست نسخ خطی ج ۱ ص ۲) و همچنین رساله «عشق و محبت» که در باب چهارم «نگارستان» آنرا آورده است (فهرست نسخ خطی فارسی ج ۲ ص ۱۲۸۶ و فهرست نسخ خطی دانشگاه تهران ۶۴: ۳۶۹۶) جز این‌ها مؤلف قصائد فارسی و عربی و غزلیاتی داشته که مکرر در نگارستان از آنها یاد کرده است و شاید آثار زیادی نیز داشته که مثل یادگارهای سایر بزرگان آن روزگار که به علل حوادث گوناگون از میان رفته است.

## مذهب معینی:

اطهار عقیده صریح و قطعی در باب مذهب مؤلف نمی‌توان نمود و هیچ یک از منابع و مآخذی که شرح حال وی در آن‌ها آمده به جزئیات سوانح زندگی او نپرداخته و کوچکترین اشاره‌ای در این مورد ندارند. در نگارستان همه جا خلفای راشدین و ائمه اطهار را با احترام و اعزاز تمام ذکر می‌کند حدیث معروف غدیر خم را درباره علی (ع) نقل می‌کند (من کنت مولاه فعلی مولاه نسخه قونیه باب سوم) و یک جا محبت حضرت علی علیه السلام همراه است. همه جا حضرت علی و امامان ربا علیه السلام همراه است در حالیکه ابوبکر و عمر و عثمان و عایشه ربا جمله «رضی الله عنه و رضی الله عنها» می‌آورد.

بهر حال معینی که صوفی مآب و در مشرب و اهل صفا و حقیقت است بر فرض آن‌که از اهل سنت باشد مانند دیگران متعصب نیست اگر حضرت علی (ع) را وصی بلافصل نداند به عنوان ولی نام می‌برد. در صفحه ۱۳۶ بعد از ذکر حدیث شریف «لا یبغضک مؤمن و لا یحبک منافق» درباره علی (ع) گوید:

مزین کن به مهر شیر یزدان      دلت را تا نگویندت منافق  
مصدق دار اصحاب دگر را      بود تا اسم مؤمن بر تو صادق

## اشعار و سروده‌های نگارستان:

معینی همانند شیخ سعدی و به شیوه معمول عمر خویش را به نثر عربی و فارسی آراسته است مخصوصاً در مواردی که موضوع عشق و زیبایی و محبت درستی و احسان و نیکوکاری و وفاداری در کار است هر چه بیشتر او از شعر

یاری می جوید بیش از ۲۳۰ بیت شعر عربی در نگارستان آمده است و صفحه‌ای نیست که در آن حداقل چهار بیت شعر فارسی نیامده باشد. اشعار عربی کتاب بیشتر سروده‌ی خود مؤلف می‌باشد.

درباره اشعار فارسی کتاب باید گفت که همه این اشعار نغز و روان از آن خود او بوده است جز بیتی از فردوسی که در مقدمه صفحه ۱۸ به نقل از پدر فاضل و عارفش بیان کرده است و دو بیت دیگر که در باب هفتم نسخه قونیه به هنگام ذکر محامد امیر اسمعیل سامانی از شعرای زمان وی آورده است. روش معینی در آوردن اشعار چنان است که ابتدا زمینه را به طوری فراهم می‌کند که خواننده احساس می‌کند که آوردن آن سروده در آنجا نیاز بوده است. همه جا مطلب را به نثر بیان می‌کند و آن‌گاه با آوردن اشعار در موضوع مورد بحث، تأکید می‌کند و در حقیقت آن موضوع را با آوردن آن شعر تأیید می‌کند.

### نسخه‌های موجود نگارستان:

۱- نسخه متعلق به کتابخانه شخصی آقای جعفر سلطان القرایی در تبریز بوده و اخیراً بوسیله کتابخانه مجلس شورای ملی خریداری شده است و هنوز فهرست نگردیده و در فهرست نسخه‌های خطی فارسی نیامده این نسخه دارای ۳۱۹ صفحه ۳۳ تا ۲۵ سطری است که به دو خط نستعلیق به تاریخ ۷۴۹ یعنی ۱۴ سال پس از تألیف نگارش یافته است.

۲- نسخه ای است که بشماره ۳۲۹۰ در کتابخانه عمومی اصفهان مضبوط است افتادگی‌های زیاد دارد از آنجمله اول و آخرش افتاده است بخط سده هشت تحریر شده است.

۳- نسخه ای است که در تهران کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره ۵۷۴۶ محفوظ است و به خط نستعلیق سده ۱۰ نگارش یافته دارای ۴۳۲ ص ۱۶ سطری است چند صفحه از آخر آن افتاده است. (رجوع شود به فهرست نسخه‌های خطی ج ۵ ص ۲۶۴۵، و فهرست مجلس ۱۷:۱۸۷) این نسخه مخصوصاً در اشعار و جملات عربی اشتباهات و اغلاط فاحش بسیار دارد و کمتر عبارتی است که با نسخه اقدم متفاوت نباشد ولی با نسخه تقریباً مطابق است و ظاهراً از یکدیگر و یا هر دو از نسخه ثالثی استنساخ شده اند در هر دو نسخه سعی شده است که ابوبکر و عمر و عثمان از متن حذف و به جای آنها یکی از اصحاب یا یکی از صحابه و ... قرار داده شود و پس از اسامی مذکور جمله دعایی (رضی اله عنه)

بطور کلی حذف گردیده است پیش از اسم خلفای بنی امیه و حتی بنی عباس در اکثر مواقع از بکار بردن امیرالمؤمنین خودداری شده است

۴- نسخه ای است که در لندن انجمن آسیایی باشمایی به شماره ۳۵۲ محفوظ است این نسخه به تاریخ ۱۰۳۷ نگارش یافته و سقط‌ها و افتادگی‌های زیاد دارد

۵- نسخه «ق»: نسخه ای است کامل که در ترکیه کتابخانه قونیه به شماره ۳۱۹ مضبوط است نسخه های عکسی آن در سه دفتر به شماره های ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است این نسخه دارای ۳۸۹ ص ۱۷ سطری است که به خط نستعلیق به تاریخ چهارشنبه سال ۱۰۵۵ کتابت آن پایان یافته است از نظر صحت متن مخصوصا در اشعار و عبارات عربی نسخه نسبتا قابل اعتمادی است متأسفانه نسخه آن در اکثر موارد ناخوانا است. این نسخه یکی از نسخه بدل هایی است که مورد استفاده قرار گرفته است.

۶- نسخه «د»: نسخه ای است که کامل به شماره ۱۳۵۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است به خط نستعلیق سده ۱۱ نگارش یافته. دارای ۳۶۷ ص ۱۷ سطری است (رجوع شود به فهرست نسخه های خطی فارسی ج ۵ س ۳۹۴۵ و فهرست دانشگاه ۸: ۵۳) که ما این نسخه را با شماره ۲ نام گذاشتیم. نسخه ای دیگر به شماره ۸۶۳۸ که در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است را به عنوان ۱ نام نهادیم.

۷- نسخه «آستان قدس»: این نسخه ای است که آن را اساس کار خود قرار دادیم. این نسخه توسط یار محمد خان افشار سردار کل فرزند مرحوم مغفور حسن خان افشار وزیر نظام سردار کل به آستان قدس رضوی در خرداد ماه سال ۱۳۳۲ تقدیم شده است.

این کتاب که با خط نستعلیق در هر صفحه با ۱۵ سطر نوشته شده است در سال ۹۸۹ قمری با تعداد ۳۴۸ ورق به شماره ۸۴۱۴ به طول ۱۹ عرض ۱۴ در ردیف کتب ادبیات در کتابخانه آستان قدس شماره گذاری شده است.

## روش کار مصحح:

همان گونه که گفته شد، اساس کار بر نسخه ای آستان قدس نهاده شد. زیرا این اثر کامل تر از دیگر نسخ بود و افتادگی ندارد. با نسخه بدل های قونیه و دو نسخه از دانشگاه تهران مورد تصحیح قرار گرفت.

آنچه که بین این نسخه و سه نسخه دیگر اختلاف یافتیم در پانوشت ذکر گردیده است. غلط های املائی ( مواردی از قبیل نحوه نوشتن همزه) به شکل درست رایج امروزی ثبت شده است.

دقت شده است حتی نکاتی که شاید زیاد در تطبیق نسخ اهمیت نداشته باشد از قبیل نوشتن یا ننوشتن «واو» از نظر دور نمانده است. و اختلافی که در نسخ وجود داشته است با ذکر شماره در پانوشت ذکر شده است.

از مواردی که قابل ذکر و یادآوری است این است که در این چهار نسخه قبل از این که ابیات آورده شود نویسندگان از واژه‌های شعر، بیت و قطعه استفاده کرده است. با این تفاوت که چون ما نسخه‌ی آستان قدس را اساس قرار دادیم چنانچه سه نسخه‌ی دیگر با توجه به توضیحات ذیل تفاوت داشته است در پانوشته‌ها ذکر گردیده است در غیر این صورت با توضیحاتی که خواهد آمد مطابق بوده است: در نسخه‌ی قونیه قبل از ابیات از واژه‌ی «قطعه» استفاده است. در نسخه‌ی دانشگاه ۱ از واژه‌ی «بیت» و در نسخه‌ی دانشگاه ۲ از واژه‌ی «نظم» استفاده شده است و همچنین به خاطر عدم آشنایی کاتبان هندی با رسم الخط فارسی در بیشتر قسمت‌های متون به جای برخاست از برخاست استفاده شده است که غلط می‌باشد.